

پیش بینی های آیت الله خامنه ای در جنگ تموز

یکی از تحلیل گران مسائل لبنان میگفت: من تاکنون معجزه های زیادی از این مرد خدایی آیت الله خامنه ای دیده ام اما در خلال این جنگ سه روزه لبنان در سال ۲۰۰۶ نفس خدایی او ما را بر رژیم صهیونیستی که خود را از لحاظ نظامی اولین ارتش منطقه می دانست پیروز کرد. آقا در جلسه ای گفتند که به احتمال زیاد رژیم صهیونیستی در این تابستان یک عملیاتی برای اشغال نظامی قسمتهایی از لبنان و حذف حزب الله کلید بزند و شما باید آمادگی آن را داشته باشید.

این در حالی بود که بررسی های نظامی و اطلاعاتی ما چنین چیزی را نشان نمی داد بعد از چند روزی ما دقت خود را افزایش دادیم تا اینکه دو افسر صهیونیستی را دستگیر شدند و بعد از بررسی های متعدد توطئه آنها کشف شد و رژیم صهیونیستی برای اینکه طرحش زیاد لو نرود عملیات خود را جلو کشید و زودتر از موقع اولیه به لبنان حمله کرد و به این طریق خیلی از طرح های نیمه تمام آنها شناسایی و اطلاعات آنها ناقص ماند و ما به پیروزی بزرگی رسیدیم. معجزه دوم این مرد خدایی این بود که گفتند به بچه ها در حزب الله بگویید دعای جوشن صغیر بخوانند. گفتند آقا چرا این دعا؟ فرمودند: این دعا، دعای افراد مضطرب و گرفتار است و انشاء الله روحیه آنها را تقویت و آنها را پیروز می گرداند.

و ما هم پیام را رساندیم و در این ۳۳ روز همه رزمندگان حزب الله لبنان این دعا را می خواندند و حتی سنی ها و مسیحی ها هم در مورد ماهیت این دعا و نقش آن در مقاومت حزب الله سوال می کردند و در بسیاری از موارد این دعا را می خواندند و الحمداله این جنگ با پیروزی حزب الله به پایان رسید و مقاومت حزب الله به نقش بی بدیل ولی فقیه در کنترل این بحران پی برد و حقانیت ایشان حتی برای دشمنان حزب الله و ایران هم آشکار شد.

سید حسن نصر الله هم در بخشی از مصاحبه خود با هفته نامه پنجره به بیان برخی از این خاطرات می پردازد: خیلی مسایل در گذشته داشتیم. اکثریت همه مسئولین یک نوع فکر می کردند و نظر می دادند و آقا هم نظر دیگری می داد. بعد می دیدیم نظری که آقا داده اند صائب است و نتیجه بخش. من خیلی با حضرت آقا محشور بوده ام. مسایل زیادی دارد که اگر بگویم تا صبح تمام نمی شوند، بعد از حادثه یازده سپتامبر آقا فرمودند: نگران نباشید. یازده سپتامبر شروع نزول آمریکا است. آمریکا به اوج خود رسیده است و آغاز نزول آن است. اینها از کجا است؟ اینها از هدایت الهی است. همیشه آقا به آینده خوش بین است. قدر آقا را بدانید. یکی از علمای شیعه مدینه آمده بودند و نگران بودند. به ایشان بعضی از مسایل را تعریف کردم و مسایلی درباره آقا گفتم و اطمینان دادم.

در جنگ تموز (جنگ سی و سه روزه)، تحلیل ها حاکی از یک جنگ محدود بود. فکر می کردند چند تا ساختمان را می زنند، حملات محدودی برای آزادی اسرا انجام می دهند و تمام می شود، لکن از روز دوم تهاجم وسیعی را آغاز کردند و تقریباً همه جا را زدند. در اتاق عملیات بودیم و مقابله می کردیم. وضعیتمان خوب بود، ولی چند نفر از دوستان از نظر روحی و عاطفی ناراحت بودند. آیا اسیر گرفتن امل باعث این تهاجم و جنگ شده است؟ این سؤال ذهنمان را آزار می داد و بچه ها را در فشار روحی قرار می داد. هرچند این مسئله در اصل اداره جنگ و مقاومت تأثیری نداشت.

در این شرایط حساس بود که پیام الهام بخش آقا، رسید: «این حمله از قبل تدارک دیده شده است. می خواستند در غفلت حزب الله تهاجم وسیع داشته باشند. همه جا را بزنند و بعد حمله زمینی بکنند و مسلط بشوند و شروط خود را تحمیل کنند. اینهایی که رفتند اسیر گرفتند، لطف خدا بود، این جنگ احزاب است «ستلغ القلوب الحناجر» اگر به خدا توکل کنند و مقاومت کنند پیروزند به آقای سید حسن نصر... بگویید پیروزید و اگر در این جنگ پیروز شوید قدرتی می شوید که هیچ قدرتی در مقابلتان نمی ایستد. این را هم بگویید که آن ها می خواستند حمله کنند. اسیر گرفتیم جنگ را جلو انداختند و آخرین سفارششان هم این بود که به امام زمان (ع) توسل کنید.

این پیغام، بسیار الهام بخش بود. مشکل روحی و عاطفی ما را حل کرد. آن را لطف الهی دانستیم و امیدوار به پیروزی شدیم. در سخنرانی ها هم گفتیم که دشمن از قبل برنامه ریزی برای حمله داشته و می خواستند در پاییز حمله کنند و لکن بعد از حادثه اسیرگیری حمله را به تابستان آوردند، وقتی ما این حرف را زدیم، خیلی از تحلیل گران سیاسی جهان عرب آمدند آن را تأیید کردند. آقای حسین هیکل در حمایت از این حرف مصاحبه کرد و گفت من هم اطلاع داشتم و در تحلیل به آن رسیده بودم. روزنامه های معروف جهان عرب هم این تحلیل را واقع بینانه معرفی کردند.

از سیاسیون لبنان افرادی مثل میشل عون هم آن را تأیید کردند. اما یک چیز برای خود من سؤال بود که آقا، این حرف را از کجا می دانسته و با چه دلیلی گفته است؟ بعد از جنگ، از طریق یکی از دوستان آن را از آقا پرسیدم. آیت الله خامنه ای فرموده بودند اطلاعات خاصی در این باره نداشتیم. به ذهنم خطور کرد. گفتم این الهام خدایی است که به ذهن بنده اش جاری کرد.